

سیاه سفید خاکستری

گفت‌وگو با چند استاد دانشگاه درباره ناامیدی جوانان

اشاره

«جوانان امروزی دیگر امید و انگیزه ندارند»، «ناامیدی در بین جوانان کشور موج می‌زند»، «باید برای این وضعیت بی‌انگیزگی و ناامیدی جوانان به آینده خود فکری کرد» و... شاید شما هم در نشست‌ها و همایش‌ها و یا در جمع‌های دوستانه، بارها از این عبارات که از آن بوی یأس به مشام می‌رسد شنیده باشید. افزون بر این در مطبوعات و به‌ویژه صدا و سیما در این باره زیاد صحبت می‌شود اما به راستی چرا این گونه است و قبل از پاسخ به این سوال باید پرسید آیا اصلاً این گونه است؟ آن چه در این گزارش، تقدیم شما عزیزان می‌کنیم در حقیقت تلاش برای پاسخ به چرایی ماجرا و راه کارهای حل این مسأله است.

نداریم اما اگر قدرت خداوند را باور کنیم و به سنت‌های الهی آشنا باشیم حتی اگر در مسیر زندگی مان با سختی‌هایی هم روبه‌رو شویم می‌دانیم که خداوند بر امورات حاکم است و به مدد و یاری او می‌توان سختی‌ها را پشت سر گذاشت.

هدف داشته باش نه رویا

دکتر علیرضا آقاییوسفی (روان‌شناس) در جواب سؤالات ما گفت: با توجه به این که در شرایط امروز جامعه ما، سن ادامه تحصیل به بعد از ۲۰ سالگی کشیده شده و از سویی ما با مشکل عمده‌ای به نام اشتغال روبه‌رو هستیم به طوری که هم‌اینک شاهد نرخ بالایی از بیکاری در کشور هستیم، طبیعی است که بخشی از جوانان ما احساس کنند در مقطعی از زندگی خود به آن اهداف مشخص شده نمی‌رسند و لذا به تدریج نسبت به آینده دلزده و ناامید می‌شوند.

اما راه حل ناامیدی موجود در میان جوانان ایرانی چیست؟ آقای آقاییوسفی پاسخ می‌دهد: هر کس نتیجه تلاش خود را می‌بیند؛ «لیس للانسان الا ما سعی» بنابر این کافی است که انسان برای رسیدن به هدف برنامه‌ریزی و تلاش کند اما این هدف‌گذاری نباید رؤیاپردازانه باشد بلکه می‌بایست واقع‌گرایانه و با در نظر گرفتن امکانات موجود باشد. رؤیاپردازی صرف خودش یکی از عوامل تشدید کننده ناامیدی است.

ایشان به نقش معنویت در رسیدن به موفقیت‌ها هم اشاره کرده و سختش را این گونه به پایان می‌رساند: توصیه من به جوانان این است که حتی المقدور از سال‌های قبل از

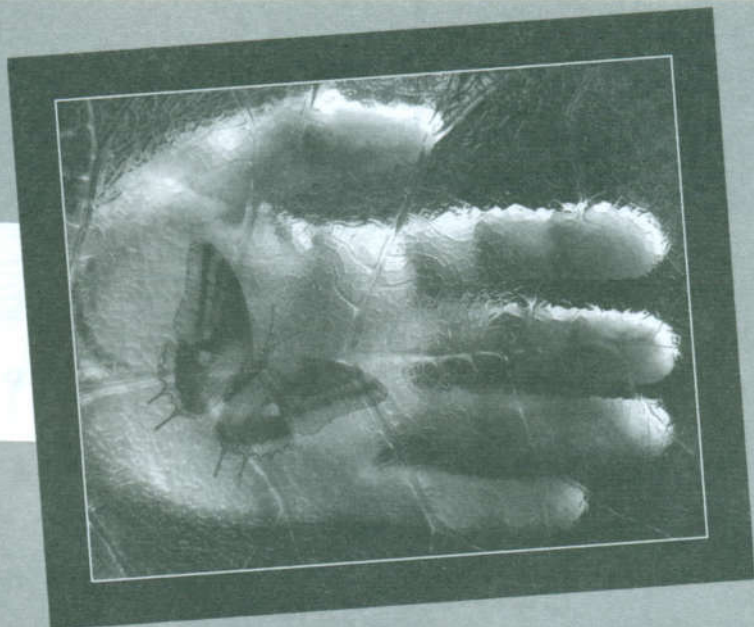
خداوند حاکم جهان است

حجت‌الاسلام دکتر محمدصابر جعفری، پژوهشگر و کارشناس مسایل جوانان، از دریچه‌ای نو و جالب به موضوع می‌نگرد و می‌گوید: ناامیدی بیش‌تر زمانی رخ می‌دهد که انسان سؤالات و دغدغه‌هایش را از عالم نمی‌گیرد یعنی مسایلی از این قبیل که بالاخره این عالم متولی و کارگزاری دارد برایش حل نشده باقی بماند.

نکته دیگر این است که نوع آدمی چندان به سنت‌های الهی که در جهان هستی وجود دارد، آشنا نیست یعنی مثلاً خیلی از ماها نمی‌دانیم که سنت تلاش، سنت امتحان و... در این دنیا وجود دارد و لذا به اعتقاد من ناامیدی زمانی خود را نشان می‌دهد که افراد نمی‌دانند این عالم تدبیری دارد؛ این که خدا انسان را آفریده و او را براساس سنت‌های الهی به پیش می‌برد و اگر هم سختی‌ها و مرارت‌هایی در زندگی وجود دارد که دارد، این سختی‌ها مثل سختی یک تمرین ورزشی است که در نهایت باعث پیشرفت و قدرتمندی بیش‌تر ورزشکار می‌گردد.

آقای جعفری نوع نگرش به زندگی و هستی را عامل مهمی می‌دانند؛ اینکه ما بدانیم خداوند کارش در عالم براساس مصلحت است، این که بدانیم در زندگی ما سنت ابتلا و امتحان و... وجود دارد، اینکه بدانیم هر عملی در این جهان عکس‌العملی را در پی دارد، همه اینها در میزان امیدواری یا ناامیدی ما به آینده خود مؤثر است. مشکل از آنجایی آغاز می‌شود که متأسفانه خیلی از ما ارتباطمان با پروردگار عالم، ارتباط عمیقی نیست و ما به مدد الهی و قدرت لایزال او در عمل چندان توجهی





دورنمایی روشن و شفاف

این کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل افزود: برای تزریق روحیه امید و نشاط در میان جوانان باید به طور جدی به فکر کار و اشتغال آنها بود. آن چه که باعث امیدواری جوان‌ها به آینده روشن خود می‌شود، ترسیم دورنمایی شفاف از آینده کشور است. باید با رفع تبعیض حذف پارتی‌بازی و خویشاوند سالاری از نظام گزینش کشور سعی در ایجاد امید و انگیزه در بین نسل جوان داشت.

آینده در دستان امید

دکتر حسن تلاشان، استاد رشته مدیریت دانشگاه شهید محلاتی می‌گوید: متأسفانه یک جور فضای یأس و ناامیدی در بین جوانان کشور وجود دارد و این مسأله خود دلایلی دارد: اولین دلیل مسأله اشتغال است. ببینید جوانی که تحصیل می‌کند و مدرک می‌گیرد به دنبال شغل مناسب است ولی اگر قبل از فارغ‌التحصیلی این احساس در او شکل بگیرد که با وجود داشتن مدرک، کار مناسب برایش فراهم نخواهد شد طبیعی است که ناامید و بی‌انگیزه می‌شود و وقتی شغل نداشته باشد خب نمی‌تواند تشکیل خانواده و زندگی بدهد. متأسفانه همین یأس به زندگی‌اش هم سرایت می‌کند و لذا شما می‌بینید که در سالیان اخیر، سن ازدواج در کشور ما به چه میزان سیر صعودی داشته است.

دلیل دیگر، شاید بی‌توجهی و یا کم توجهی به نخبگان جوان باشد، به طرح‌ها و ابتکارات جالب جوانان نخبه و نوآور آن طور که باید و شاید توجهی نمی‌شود در حالی که

ورود به دانشگاه به رشته تحصیلی دلخواه خود بیانداشته و نیز معیارهای زندگی خود را معقولانه وضع کنند. در نهایت اینکه برای مقابله با یأس و ناامیدی باید ضمن پرهیز از انزوایی برای ارتباط با دیگران تلاش کنند.

فرصت‌ها را به آینده روشن گره بزن

رضا حسامی، استاد دانشگاه غیرانتفاعی معصومیه معتقد است: کشور ما به عنوان یک کشور در حال توسعه هم‌اکنون با تراکم جمعیتی نسل جوان روبه‌رو است. البته این مسأله هم می‌تواند فرصت باشد و هم تهدید. از چه جهت؟

از این جهت که اگر ما به آن به عنوان پتانسیل رشد و توسعه کشور نگاه کنیم، یک امتیاز و فرصت محسوب می‌شود و گرنه این یک تهدید خواهد بود.

آقای حسامی درباره مدیریت برنامه‌ریزی گفت: قدر مسلم اینکه ایران ما از نظر نیروهای نخبه علمی و پژوهشی فعال، غنی است اما متأسفانه آن چه که موجب می‌شود نتوانیم به خوبی از این پتانسیل استفاده کنیم عدم برنامه‌ریزی برای جوانان است. ما در کشور به جای آن که برای چندین نسل چندین برنامه داشته باشیم عملاً برای چند نسل یک برنامه داشته‌ایم. این یکی از عوامل رکود فکری نسل جوان و گسترش فرهنگ عافیت‌طلبی در بین آنها است و نتیجه بارزش هم این بوده که بخش زیادی از جوانان، چندان تلاشی از خود برای تحرک و فعالیت نشان نمی‌دهند.

حقیقتاً بسیاری از افتخارات کشور ما از ابتدای انقلاب تاکنون، حاصل تلاش‌های همین جوان‌هاست. بنده خودم شخصاً چندین مرکز مهم هسته‌ای کشور را از نزدیک دیده‌ام. شاید خیلی‌ها فکر کنند توفیقات هسته‌ای ما مربوط می‌شود به دانشمندان یا تجربه‌ای که سن و سال بالایی دارند اما واقعاً همین جوان‌های تحصیل کرده در انقلاب اسلامی هستند که این مراکز حساس را اداره می‌کنند. دلیل مهم دیگر هم کم توجهی به پتانسیل فوق‌العاده نسل جوان است.

چه باید کرد؟

اولین کار مربوط به سرمایه‌گذاری مسئولان برای استفاده هر چه بهتر از نخبگان و نیز فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است چراکه اگر مسأله اشتغال سامان یابد قطعاً بسیاری از معضلات جامعه ما هم حل خواهد شد.

به طور کلی آنچه مهم است لزوم تقویت احساس امید به آینده است که از طریق یک‌سری کارهای فرهنگی و روان‌شناختی حاصل می‌شود. اگر این کارها را کردیم آن وقت جوانان ما می‌توانند به آینده خود امیدوار باشند و اگر امیدواری آنها تقویت شود قطعاً امید بهتری به آینده کشور عزیزمان می‌رود.

من در بعضی از مراکز دانشگاهی که می‌روم به جوان‌ها می‌گویم با تمام مشکلاتی که هست، به آینده امیدوار باشید و بدانید مسئولان کشور در حال انجام کارهای مفید و مؤثری هستند که در بهبود وضعیت کشور مؤثر است و آن روزی که ما آینده‌ای درخشان داشته باشیم فرا می‌رسد. معتمد همین احساس امید به آینده خیلی از مسایل را حل می‌کند. هرگز امید خود را از دست ندهید.